

بر شرح لمعه میباشد از حاشیه مذکور فقط قسمت طهارت آن در دست است وفات مومی الیه در سال ۱۰۹۸ واقع شد فرزند وی میرزا ابراهیم بن خلیفه سلطان از رجال نامی قرن یازدهم بوده و شرح حالش مذکور خواهد شد

تالیفات سید علاء الدین

حاشیه شرح لمعه حاشیه معالم این دو شرح بضمیمه متن و مستقلاً بطبع رسیده است حاشیه شرح مختصر عضدی شرح مزبور از مسئله چهارم از مسائل چهار گانه در بحث واجب از مبادی احکام شروع میشود و تقریباً سید شریف تا همین قسمت شرحی بر مختصر نوشته و علاء الدین آنرا تکمیل نموده است بهر حال شرح علاء الدین از شروح مفیده نافع کتاب مختصر عضدی بشمار ۸۰۰

کتاب توضیح الاخلاق که در سنه ۱۰۵۱ با امر شاه صفی بزبان فارسی تألیف نموده و در واقع مختصری از کتاب اخلاق ناصری خواجه نصیر الدین طوسی است حاشیه بر حاشیه خفزی که بر الهیات شرح تجرید نوشته شده و اول کتاب عبارت ذیل مرقوم است :

و بعد فهذه تعليقات كتبها الغریق فی بحر العینان خلیفه سلطان .. حاشیه بر مختلف علامه .

تعليقات بر من لا یحضره الفقیه

فوائد و تعليقات متفرقه

رساله فارسی در آداب حج

تعليقات بر حاشیه قدیمه جلالیه

شبهات در علوم متفرقه و جواب آن

۲ - میرزا حاتم بیک اردو بادی

Mirza Hatem

میرزا حاتم ملقب به اعتماد الدوله چندی وزارت شاه عباس کبیر را نموده در سنه ۱۰۹۰ هنگام محاصره قلعه دمدم کشته شد در صفحه ۵۸ از این جزء اشاره شده است باینکه وی از احفاد خواجه نصیر طوسی است و در صفحه ۳۲۵ از کتاب گنج دانش و ص ۵۴۴ - ۵۴۸ از کتاب عالم آراء شرح حال او مسطور است بدانجا مراجعه شود

رضا قلی خان در جلد دوم از کتاب تنمه روضة الصفا منطبقه طهران راجع بوزرای شاه صفی چنین مینویسد:

(وزیر اول خلیفه سلطان پس از وی میرزا ابوطالب خان بن حاتم بیگ اردوبادی سپس میرزا تقی ساری اصلان ملقب بساری تقی ..)

از مشاهیر وزرای صفویه - میرزا سلیمان اصفهانی

Mirza Soleyman

نسب میرزا سلیمان بجایز انصاری منتهی میگردد مشار الیه در پاره از علوم تتبع داشته چندی وزارت سلطان محمد بن شاه طهماسب را نمود و در شهر هرات بدست امراء قزلباش کشته شد رباعی ذیل از اوست

بیقدر ترم گر چه وفا دار ترم آزرده ترم گر چه کم آزار ترم
آنکو زویم عزیزتر نیست کسی سبحان الله بچشم او خوار ترم (۱)

میرزا طاهر قزوینی متخلص بو حید

Mirza Taher

میرزا طاهر از وزرای شاه سلیمان صفوی و در سن صد سالگی وفات نمود دیوان مومی الیه مشتمل بر هفتاد هزار بیت نظم و نثر فارسی و ترکی است رساله های مختلف دیگری در علوم متفرقه تألیف نموده است کتاب تاریخ وقایع صفویه از تألیفات میرزا سلیمان مذکور میباشد اشعارش نامالایم و غیره مطبوع است شاه عباس صفوی ویرا کاتب اخبار معین نمود و در اواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفاء داد شرح حال او در مجمع الفصحاء مذکور است (۲)



(۱) شمه از حالات وزیر مزبور در ضمن حالات سلطان محمد بن شاه طهماسب در نسخه کتاب روضة الصفا تالیف هدایت مذکور است (۲) ص ۵۰

۳ - ازوزرای زندیه

مقدمه

در ایام صفویه قبایل و عشایر بسیاری موسوم به زند در نواحی ملایر و عراق عجم اقامت و توطن داشتند نادر شاه از قوت و قدرت آنها اندیشیده قسمتی از آنها را بیاد قتل و غارت داد و قسمت باقی را باطراف درجز و ایورد از توابع خراسان کوچانید پس از مرگ نادرشاه ایلات زند بقیادت یکی از زعمای خویش موسوم بکریم خان بن ایناق از نواحی خراسان عزیمت نموده بمقر اصلی عودت کردند کتب مفصله بسیاری راجع بحالات زندیه بزبان فارسی نوشته شده که مهمترین آنها کتاب تاریخ زندیه تالیف میرزا صادقخان از معاصرین زندیه و دیگر تاریخ میرزا علیرضا بن عبدالکریم شیرازی است کتاب اخیر در سنه ۱۸۸۸ میلادی در لندن بطبع رسیده است بطوریکه سابقاً اشاره شد پس از قتل نادر شاه آشوب و غوغای عظیمی در سرتاسر مملکت رخ داد محمد حسن خان بن فتحعلی خان قاجار در استراپاد دعوی سلطنت اظهار داشت و آزادخان در آذربایجان رایت عصیان بر افراشت هدایت خان درگیلان هرا کلیوس در گرجستان و بالاخره کریم خان زند در قسمت عراق عجم و فارس لوای استقلال و سلطنت را بدست گرفت حکومت زندیه بکریم خان شروع و بلطفعلی خان خاتمه مییابد (۱۱۶۳ - ۱۲۰۳)

۱ - حاجی ابراهیم خان کلانتر (۱)

Hadji Ebrahim khan

پسر حاجی هاشم شیرازی میرزا جعفر خان در کتاب حقایق الاخبار (۲) مختصری از حالات ابراهیم خان و اولادش بطریق ذیل بیان مییابد
 ابراهیم خان کتاب مختصری راجع به تاریخ پادشاهان ایران قبل از اسلام تالیف نموده است و نسب خود را در آن کتاب به قوامالدین حسن شیرازی ممدوح خواجه منتهی میسازد پدرش حاج هاشم بن طالب بن محمود از اشخاص مهم عصر خویش بشمار میرفت در نزد نادر شاه ازوی شکایت کردند و بامر او از دیده نایبنا گشت ابراهیم خان در ابتداء بملازمت لطفعلی خان بن جعفر خان بن صادق خان زند پرداخت و در خدمت وی بمقام کلانتری رسید و از سرکردگان سپاه وی بود ولی بالاخره با وی خیانت کرده و با آغا محمد خان همراه شد و در شیراز برای او دعوت نمود پس از قتل لطفعلی خان و استیلای آغا محمد خان بر شیراز بحکومت آن شهر معین گردید و بلقب بیگلربیگی نایل گشت پس از چندی بمقام صدارت مفتخر گردید و اعتمادالدوله لقب یافت بعد از قتل آغا محمد

(۱) اگرچه شخص مذکور در دولت زندیه لقب وزیر نداشته ولی نظر باینکه نفوذ و اقتدار او در سیاست و تغییر رژیم پیش از اقتدار وزیر بوده است لذا مؤلف او را در جزو وزراء شمرده است
 (۲) در تهران طبع شده است و نسخه آن کمیاب است

خان تا سال ۱۲۱۵ بوزارت فتحعلی شاه و لقب سابق خود باقی بود در اواخر آن سال فتحعلی شاه بر وی متغیر شده زبانش را قطع کرد و چشمش را کور نمود سپس ویرا بانام اولاد و بستگان مقتول نمود فقط پسر کوچکش میرزا علی اکبر قوام الملك را که آنوقت طفل خرد سالی بود از شر شاه محفوظ ماند میرزا علی اکبر مزبور شخص زیرک باهوشی بوده و تدریجاً در مناصب دولتی ارتقاء یافت تا آنکه بسمت تولیت آستان رضوی معین گشت و در سنه ۱۲۸۲ در همان شهر وفات نمود (۱)

۲ - میرزا محمد حسین

Mirza Mohammed Hossein

پدر میرزا عیسی ملقب بقایم مقام بزرگ فراهانی وزیر نایب السلطنه عباس میرزا قاجار از وزراء سلاطین زندیه بوده پس از انقراض آن خاندان تا هنگام مرگ بدولت قاجاریه خدمت نمود وفات مومی الیه در شهر قزوین اتفاق افتاد دیوان اشعارش بسی مطبوع و بیت ذیل از آن نقل میشود

دل از هجرم بجان و صبر فرما و عده جانان چو بیداری که زهر اندر دوار یزدیر ستارش (۲)

۴ - از وزرای عادلشاهی و قطبشاهی

مقدمه

همینکه کلیم الله شاه بهمنی آخرین پادشاه بهمن به بیجاپور فرار کرد پادشاهان دکن به پنج دسته تقسیم شدند سال ۹۳۵ ۱ - عادلشاهی ۲ - نظامشاهی ۳ - قطبشاهی
این سه طایفه از پادشاهان شیعه هند محسوب میشوند
۴ - بریدشاهی ۵ - عمادشاهی

این دو طایفه از سلاطین سنی هند هستند

پای تخت عادلشاهیان بیجاپور - پای تخت نظامشاهیان احمد نگر - پای تخت قطبشاهیان حیدر آباد بوده است

شرح حال سلاطین فوق در کتابهای مختلف مانند تاریخ سلاطین هند تالیف محمد قاسم فرشته و کتاب حدیقه العالم در حالات قطبشاهی و سایر کتب مهمه تاریخی هندوستان مذکور است و در اینجا مختصراً شرح حال بعضی از وزرای شیعه قطبشاهی و عادلشاهی را مینگاریم

۱ - شیر جنگ بهادر

Shir Djangh Bahador

شمس الدین محمد حیدر بن محمد تقی بن باقر بن محمد علی بن اویس نسبش

(۱) از کتاب حقایق الاخبار و کتاب تاریخ ایران تالیف سرجان مالکم ص ۶۴ ج ۲

(۲) تاریخ سرجان مالکم صفحه ۶۴ ج ۲ چاپ بمبای و ذیل روضه الصفا تالیف هدایت

باو بس قرنی که در سال ۱۱ هجری وفات نموده منتهی میشود
شیخ او بس از اهالی مدینه بوده و با پسرش محمد علی به بحرین مهاجرت کرد
و از آنجا بکوکی در جنوب هند انتقال نموده بالاخره به بیجاپور رفته نزد
عادلشاه امیر بیجاپور تقرب نام یافت سپس محمد باقر به شاهجهان آباد منتقل
شد از آنجا به دکن رفت و از امارت و وزارت کناره گیری نمود وفاتش در سنه ۱۰۲۸
واقع شد در علم فقه و اصول دین و حکمت الهی متبحر بوده است .. کتاب تاجیص
المرام فی علم الکلام: کتاب مفصل در اصول دین از آثار اوست (۱)

۲ - محمد خاتون

Mohammed khatoon

عالم دانشمند در علم فقه و حکمت و ریاضی دست داشت بمعیت امیر فصیح
الدین امور سلطنتی محمد عادلشاه را اداره مینمود سپس بسعایت حساد مفضوب
عادلشاه واقع شده و در خانه اش چند روزی محبوس گردید مجدداً مورد لطف شاه
واقع شده در سنه ۱۰۴۳ رهائی یافت عادلشاه هدایای نفیسه برای وی فرستاد
و چندین مرتبه در خانه اش از او دیدن کرد ولی ثانیاً از او رنجیده عزتش نمود (۲)

۳ - امیر محمد مؤمن استرآبادی

Mohammed Moamen

مؤلف تاریخ فرشته مینویسد پدران امیر محمد مؤمن از مقربان دربار سلاطین
ایران بودند امیر محمد مذکور در عهد شاه طهماسب معلم سلطان حیدر میرزا
بوده است و در ایام محمد قلی قطبشاه به هند رفته مدت ۲۵ سال در دربار آن
پادشاه بوزارت و امارت اشتغال داشت (۳)

۵ - بعضی - از وزرای مختلف امامیه

۱ - ابوالحسن علی بن الحسین بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام

Ali

وزیر سعدالدوله بن سیف الدوله بن حمدان و پدر ابوالقاسم مغربی وزیر شرفالدوله
بو. هی است که در صفحه ۹۸ از این جزء شرح حال او ذکر شد صفدی مورخ مشهور در
جلد ۱۸ از کتاب خود الوافی بالوقیات که مؤلف در کتابخانه امام جمعه فعلی کرمانشاهان

(۱) حدیقه العالم در تاریخ قطبشاه (۲) و (۳) تاریخ محمد قاسم فرشته و حدیقه العالم

ملاحظه نموده راجع بشرح حالات وزیر مزبور چنین مینویسد: وزیر مذکور در حلب متولد شده و سعد الدوله بن سیف الدوله بن حمدان صاحب حلب او را وزیر خود نمود سپس ابوالحسین از سعد الدوله هراسیده بمصر فرار کرد و وزارت الحاکم بالله فاطمی را قبول نمود ولی حاکم بر او متغیر شده و فرمان قتل وی را صادر کرد سنه ۴۰۰ هجری وزیر مزبور شعر نیکو میگفت و حافظ بن عبد الغنی از او روایت کرده است (۱)

۲ - جمال الدین علی بن یوسف بن ابراهیم بن عبدالواحد قفطی
Ali

وفاتش در سال ۶۴۶ واقع شد وزیر الظاهر بالله در حلب و صاحب کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء منطبعه مصر (سنه ۱۳۲۶) میباشد ترجمه آن ضمن حالات رجال مضمون التشیع و التسنن این کتاب ذکر شده است و همچنین حالات وی مفصلاً در ص ۹۶ فوات الوفيات ج ۲ و معجم الادباء صفحه ۴۷۷ ج ۵ مسطور است بدانجا مراجعه شود...

۳ - یحیی خان آصف الدوله نشابوری لکهنوی وزیر محمد شاه

Yahya khan

در سنه ۱۲۱۰ وفات نموده جنب تعزیه خانه که نزدیک خانه خویش بنا کرده بود مدفون شد مشار الیه از احفاد سعادت مند خان برهان الملك و از اعظم وزراء سلطان محمد شاه هندی محسوب میشد و بمساعدت دولت بریطانی امور مملکتی را کاملاً اداره کرد (از آثار وی)

۱ - ریاضی در لکهنو برای واردین و مسافرین اتمه عراق عرب بنا نموده که دارای اوفاف بسیاری است

۲ - نهر معروف به نهر هندی در حوالی حله از عراق عرب که باسر او برای نقل آب بنجف حفر شده و امروزه در امور زراعتی عراق عرب اهمیتی تام دارد

۳ - حسینیه بزرگ مهی که در نزدیکی خانه اش بنا نموده است

۴ - ابنیه عالیه در اکبر آباد و شاهجهان آباد بنا کرد و بتاج گنج نام نهاده است جزائری در کتاب تحفه عالم عمارات مزبور را شرح و توصیف نموده است

۵ - کتابخانه قیس قیمتی داشته است که کتب ثینه خطی عربی و فارسی از علوم قدیمه و جدیده در آن موجود بوده از آنجمله هفتصد جلد کتب خطی نادر که بخطوط مؤلفین تحریر یافته است و ظاهراً بعد از انقراض دولت تیموریان هند از کتابخانه آنان منتقل گردید (۲)

(۱) الوافی بلوفیات تألیف صفدی خطی است این کتاب از کتب مهمه تاریخ و رجال بشمار میرود مناسبانه فقط چهار مجلد از ۱۸ مجلد که تمام کتاب است در کتابخانه های اروپا پیدا شده است و مجلد ۱۸ در کتابخانه امام جمعه کرمانشاه بدست مؤلف آمده (۲) الحصون المنيعه فی طبقات الشيعه خطی و تحفة العالم جزائری طبع بیبای

فصل سوم

دو حالات مشاهیر روحانیون که تقریباً از وزراء بوده و در امور سیاسی شریک شده اند

نقباء (۱) - صدور - شیخ الاسلام های معاصر صفویه

تاریخ روحانیت و سیاست در ایران

قوای روحانی - دوره های مختلفه آن - تأثیر قوای روحانی در قوای

سیاسی و مزاحمت این دو قوه با یکدیگر - جنک سید مجاهد

باروسیّه - الغای امتیاز دخانیات بدست میرزای شیرازی

مشروطیت - انحلال جمهوریت - انحطاط روحانیت

علل آن - اصلاح اساسی قوای روحانی

ایران مرکز مذهب شیعه و از زمان صفویه تا کنون امور داخلی و خارجی این مملکت با دو قوه سیاسی و مذهبی اداره میگردد کمتر اتفاق افتاده بود که این دو قوه از یکدیگر جدا شده باشد باین ترتیب دولت مظهر اراده ملت بوده پیشرفت سیاسی حکومت وقت منوط بتوافق قوای روحانی میگردد مخالفت با قوای روحانی سبب شکست سیاست دولت و غالباً بعدم موفقیت حکومت منتهی میشد زیرا دولت در هر موقع جز خود پشتیبانی نداشته و عملاً تابع اراده قوای روحانی میبود بنا بقیده عمومی علمای مذهب شیعه نمایندگان امام عصر و جانشینان ولی شرع بوده سلطنت واقعی مختص آنان است و فرمانروایان ظاهری بقوه قهریه حقوق آنان را غصب کرده اند افراد شیعه خود را از هر حیث تابع و مطیع امام عصر دانسته در غیبت امام اطاعت پیشوایان شیعه را فرض و واجب میدانند ولی برای تقیه یا ترویج شریعت واستحکام مبانی آن ظاهراً از حکام و امرای ظاهری نیز اطاعت میکنند قوای روحانی مذهب شیعه از ابتدای تأسیس تا کنون دوره های مختلفه را طی نموده چندین مرتبه ترقی و یا انحطاط نموده است

دوره اول

اولین دوره ظهور و بروز قوای روحانی شیعه را میتوان در شهر قم مشهور بدار المؤمنین تعیین نمود که در اواسط سلطنت بنی عباس طایفه اشعریه بهم آمده لوای تشیع را بر افراختند اما در این دوره قوای روحانی شیعه فقط قادر بوده است که این مذهب را در مقابل اهالی سنی آبه و اصفهان علنی و آشکار نماید زیاده بر این اقتدار و نفوذی را دارا نبود و همینقسم تا انقراض سلسله آل بویه کم و بیش قوای روحانی شیعه در صعود و نزول بود

دوره دوم

بعد از انقراض سلطنت آل بویه (نگاهبانان مذهب شیعه) (سنه ۴۴۷) نزدیک بود آثار روحانی و مادی این مذهب در ایران منقرض گردد تا آنکه سلطان محمد خدا بنده از احفاد چنگیز خان (۱) با اجازه و تصویب مؤلف از ترجمه شرح حال نقباء صرف نظر نموده بذکر حالات صدور و شیخ الاسلامهای معاصر سلاطین صفویه میردازیم - مترجم

بامران سیاه و امرای خود بارشاد حسن بن مطهر معروف بعلامه حلی مذهب تشیع را قبول نمود و کتاب نهج الحق و کشف الصدق را باسم سلطان محمد تالیف کرد و مرکز تشیع در شهر حله (از عراق عرب) شد و بدینوسیله این طریقت و مسلک پیشرفت نموده و پیش از زمان اشعرین در ایران و عراق عرب منتشر گردید

دوره سوم

دوره سوم نشو و نمو قوای روحانی شیعه از دوره صفویه شروع میگردد سلسله سلاطین صفویه بدست شاه اسماعیل اول سنه (۹۶۱) تأسیس یافت سیاست این دولت از هر حیث مؤید و مروج مذهب شیعه بوده است که برای مقاومت با دولت عثمانی و استقرار سلطنت شیعی در صدد استحکام و ترویج مذهب شیعه بر آمدند طبعاً رؤسای روحانی شیعه دارای اختیارات تامه شده در کلیه امور سیاسی مداخله و شرکت نموده اند مخصوصاً صاحب منصبان روحانی در ایام صفویه بنام صدر یا صدر الصدور یا شیخ الاسلام تعیین شده متولی امور موقوفه و سایر قضایای مهمه قضائی و سیاسی بودند در زمان شاه عباس کبیر اقتدار و عظمت رؤسای روحانی بحد اعلی رسید این پادشاه از عاقبت کار اندیشیده ب فکر الغاء منصب صدر الصدور بر آمد ولی بزودی عدم پیشرفت قضیه را درک کرده از خیال خود منصرف شد (بشرح حالات صدور و شیخ الاسلامها مراجعه شود) پس از انقراض سلطنت صفویه و ظهور نادر شاه نفوذ و استیلای روحانیت رو بکاستن نهاد زیرا نادر شاه غیر از کشور گیری و جنگجویی و تشبیه مبانی سلطنت نظر دیگری تأیید نینمود مخصوصاً سعی داشت که مجد و عظمت ایران را با شمشیر (نه بقوای روحانی) اعاده داده و مستحکم نماید باین لحاظ موقوفات و خیرات را کاملاً مصادره نموده رتبه صدر الصدور و شیخ الاسلام را ملغی و باطل کرد نفوذ روحانیون شیعه که در شهر های اصفهان قم قزوین خراسان شیراز بحرین مرکزیت یافته بود بدست این فاتح کشور گشای بکلی منهدم و از پای در آمد این ضعف و انحطاط قوای روحانی شیعه تا اواخر زندیه و ابتدای ظهور قاجاریه ادامه یافت

دوره چهارم

در ابتدای جلوس فتحعلیشاه تدریجاً مذهب شیعه رونق و شکوهی پیدا نمود چونکه این پادشاه شخصاً متمایل بمسک تصوف بوده و طرفداری از آن مذهب و مذهبیان مینمود همانوقع در هند و عراق عرب نیز مراکز مهمی برای پیشرفت و ترویج مذهب شیعه تأسیس گردید نفوذ و اقتدار روحانیون شیعه در ایران از آنوقع تا کنون ادامه یافته ولیکن در نتیجه پاره جهات اساسی از چندی باینطرف غلبه و استیلای روحانی ایران رو باضعلال و انحطاط میباشد در این دوره اخیر روحانیت و سیاست با یکدیگر مصادمه نموده و تولید مزاحمت نمودند

روحانیت و سیاست در این دوره

بطوریکه سابقاً اشاره شد علماء و پیشوایان مذهب شیعه در انظار عامه جانشینان ائمه و نواب امام عصر میباشند مقام آنان مقدس تر از آنستکه در امور سیاست با سلاطین و امراء ظالم غاصب مداخله و شرکت نمایند اطاعت و سکوت آنان از حکومت های غاصبه فقط برای تقیه یا ترویج شریعت میباشد علماء مذهب نیز صلاح خود را همبنقسم تشخیص داده موافق نظر عامه کمتر در امور سیاسی مداخله مینمودند و اگر گاه گاهی علماء یا رؤسای روحانی از طرف دولت بمنصب صدارت یا وزارت یا غیره تعیین میگرددند مداخلات آنان فقط در امور مربوطه نهب بوده و کمتر بمسائل دنیوی میرداختند از زمان فتحعلیشاه به بعد روحانیون برخلاف مصلحت

و عادت دیرین وارد قضایای سیاسی شده با قوای دولتی مصادمه و مزاحمت نمودند و در غالب اوقات بر دولت غلبه نموده از عظمت و اهمیت آن بقدر مقدور کاستند

جنگ سید مجاهد با دولت روس

همینکه در سال ۱۲۴۰ تعدیات دولت روس بر اراضی و بلاد ایران به حد کمال رسید سید محمد مجاهد (۱) از رؤسای نامی شیعه در عراق عرب صلاح ملک و ملت را در غضب و قیام دانسته بر علیه دولت روس اعلان جهاد داد و از کربلا حرکت نموده دولت ایران را وادار بجنگ کرد خود نیز در میدان جدال حاضر شده با قشون روس مقابله کرد و بدون هیچگونه موفقیتی در اثنای جنگ وفات کرد از همان زمان خط مشی و یرگرام علمای روحانی شیعه در ایران تغییر کرده از دائره محدود مذهب وارد سیاست شده مستقیماً در امور مملکتی مداخله کردند

الغاء امتیاز دخانیات بامر میرزای شیرازی

در سنه ۱۳۰۷ هجری قمری ناصرالدین امتیاز انحصار معامله دخانیات را (توتون تنباکو انقبه) بنام هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران تادمیت پنجاه سال بکمیانی رژی انگلیسی واگذار کرد و در ۲۸ ماه رجب ۱۳۰۸ این معاهده و امتیاز در ایران عملی گردید علماء و روحانیون قضیه را برخلاف مصالح مملکت تشخیص داده به مخالفت آن قیام کردند در این موقع مرکز روحانی شیعه (سامراء) بوده و کلیه امور روحانی در دست سید محمد حسن شیرازی قائد مشهور شیعه معروف بمیرزا اداره میگردد میرزای شیرازی مطابق میل عامه با انحصار دخانیات مخالفت نموده فتوی بحرمت استعمال دخانیات داد تحریم دخانیات شورش و تأثیر عظیمی در بلاد شیعه نمود بسمبکه داخله بیوتات سلطنتی ناصرالدین از تأثیر و نفوذ فتوای میرزا محروم نماند ناصرالدین خود را مقهور قوای روحانی دیده در سال ۱۳۰۹ امتیاز مزبور را ملغی کرد و در مقابل خسارات کمیانی مبلغ نیم ملیون لیره انگلیسی با فرع صدی شش از بانک شاهنشاهی ایران (مؤسسه انگلیسی) استقراض نموده بر رئیس کمیانی تادیه نمود قرضه مزبور اولین قرض دولت ایران از اجانب بشمار میرود

مشروطیت - انقلابات سیاسی در زمان مظفرالدین

بعد از شکست دولت روس از ژاپون نهضت های بی دریی برای استقلال و آزادی در ممالک شرق شروع گردید که از آن جمله بیداری ایرانیان و مطالبه مشروطیت میباشد اساس مشروطیت ایران بشهادت تاریخ با مساعدت و همراهی علمای مذهبی بوده است علمای ایران در عراق عرب با موافقت نظر عامه که همواره حکومت های حاضر را عمال ظلم و جور میدانستند در صدد تأسیس مشروطیت و تدوین قانون اساسی موافق با اصول مذهب شیعه بر آمدند قائد و رئیس توانای روحانیون در ایران و عراق حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی مقیم نجف بشمار میرود این مرد بزرگ توانا در نتیجه شیخوخت و تقوای کامل در انظار عمومی بحد اکل محترم و عالیمقام بوده و یگانه موافقت چنین پیشوای مشهوری برای برکندن اساس استبداد ایران کافی بوده است بعد از حاج میرزا حسین طهرانی سایر علمای عراق عرب نیز در تشیید مبانی مشروطیت مساعدت و همراهی نمودند ولی در مقابل سید محمد کاظم یزدی

(۱) شرح حالات سید مذکور در جزء ۵ این کتاب که متعلق بتاریخ ایران جدید میباشد ذکر شده است

از علمای ساکن نجف بمخالفت قیام نموده مشروطیت را مخالف مذهب شیعه جلوه داد این مخالفت و نفاق نه فقط اسباب ضعف قوای روحانی و تفرقه کلمه اسلام شد بلکه سبب یزیدی و اتباع وی در انظار آزادیخواهان بواسطه مخالفت با اصول آزادی و عدالت یقیناً و قیمت شدند در ایران نیز سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبائی از علمای مذهبی به تشدید اساس مشروطیت قیام کردند و در مقابل شیخ فضل الله نوری از رؤسای نامی روحانیون تهران با آنان مخالفت نموده بر ضد مشروطه خواهان مقاومت نمود ولی ضدیت شیخ نوری تأثیری ننموده بعد از غلبه مشروطه خواهان شیخ فضل الله علناً در میدان سپه بدار مجازات آویخته شد (گویند قتل و صلب شیخ بقوای بعضی علمای عراق عرب بوده است) بهر حال از همان موقع دوره انحطاط قوای روحانی شروع شده مقدمات سقوط استیلاء و نفوذ این طایفه فراهم گردید

برهم خوردن اساس جمهوریت

تفصیل این واقعه ضمن تاریخ ایران جدید تألیف نگارنده این کتاب ذکر شده بدانجا مراجعه شود

دوره پنجم

همینکه حکومت مطلقه ایران بمشروطیت تبدیل یافت ایرانیان خواه نا خواه با دنیای جدید آشنا شده و با سایر ممالک اروپائی ارتباط یافتند این تغییر رژیم و آشنائی ایرانیان با اصول تمدن اروپائی با انحطاط قوای روحانی توأم گردید ایرانیان تدریجاً از اطراف روحانیون پراکنده شده و قوای مذهب رو بضعف نهاد توجه عامه بر خلاف سابق از علمای مذهبی برگشته بمرآکز دیگری معطوف شد بعقیده ما این انحطاط روحانیت شیعه را علل و جهاتی سبب شده است که اگر در رفع و اصلاح آن اقدامات اساسی بعمل نیاید مختصر نفوذ و اقتدار روحانیون در ایران و عراق از میان رفته اساس آنان منقرض خواهد شد

علل اساسی انحطاط جامعه روحانی

اساس روحانیت و نفوذ کلمه آن در ایران یا سایر ممالک دنیا فقط موکول بدوقضیه اساسی میباشد اول - اطلاع روحانیان و احاطه بر علوم دینی برای تشدید مبانی شرع موافق مقتضیات زمان بقسمیکه جامعه روحانیت محیط بر اطلاعات لازمه بوده از عقاید و افکار محیط با خبر باشد تا مطابق آراء و نظریات توده بترویج مذهب و تشدید مبانی آن اقدام نماید

دوم - پیروی و تبعیت از قوانین و نظامات مذهبی بطور انفرادی - اجتماعی - نوعی - شخصی و غیره با روح اخلاص و صمیمیت خالص بدون اینکه کمترین توجهی به هوا و هوسهای نفسانی یا اغراض شخصی خصوصی بعمل آید در دوره تاریخ روحانیت اسلام و سایر ادیان نوابغ و رجال بزرگی کاملاً دوقضیه اساسی فوق را در نظر گرفته جامعه روحانیت را به منتهی درجه اقتدار و کمال رساندند وجود آنان سبب اعتلاء کلمه دینی بوده و سرمشق مردمان آینده گردید

از ابتدای تاریخ اسلام مخصوصاً در قسمت مذهب شیعه پیشوایان و رؤسای روحانی بزرگی بوجود آمدند که از هر حیث جامع مراتب علم و عمل بوده زمامدار جامعه روحانیت شده اند و شهرت آنان در اطراف دنیا پراکنده شد فی الواقع نظام هیئت روحانی شیعه باین دواصل مهم - علم - عمل - اداره میگردد رؤسای روحانی حتماً بایستی متصف باین اوصاف باشند این نظام و روش تا اواخر سلطنت ناصرالدین قاجار در ایران ادامه داشت و امتیاز فضلی کاملاً مراعات میشد متأسفانه از ان موقع این امتیاز اساسی رو بانحلال نهاد حقایق مقدسه بالقاب

وتظاهرات مادی تبدیل گردید ناکسان و نااهلان داوطلب مقام عالی روحانی شده و باوسایل غیر مشروع موفق گردیدند بدون استحقاق اجازه نامه اجتهاد صادر و مجری شد مفتیان نادان مصدر امور شرعی گشت حکمشان مطاع و مجری گردید تدریجاً مفسد روحانی از مرکز بسایر بلاد ایران سرایت نموده و تا عراق عرب مرکز اساسی روحانیت شیعه امتداد یافت القاب مبتذل گشت و اهمیت روحانیون از میان رفت انقلاب سیاسی ایران نیز چونکه باانقلاب ادبی مسبوق نبود در فساد اخلاق توده ایرانیان مؤثر گردید ایرانیان از روی جهالت و تقلید اروپائیان نسبت بمنهپ بیعلاقه شدند آزادی وحریت افکار سبب تجاهر و جسارت مردمان فاسد العقیده گردیده آنان نیز درتخریب اساس روحانیت ساهی شدند شاگردان مدارس جدیدة ایران حتی محصلین ایران در اروپا تمدن و ترقی و تعالی ملی خود را در تزلزل اساس دیانت و تبلیغ لاقیدی و بی مذهبی تصور نمودند در صورتیکه ملل متمدنه روشن فکر عالم - اتازونی - انگلستان - آلمان - وغیره بیش ازهرچیز جامعه دینی را مقدس ومحترم میشارند از این گذشته رجال سیاسی ایران هم بنوبه خود جامعه روحانیت را بارتوده و مانع پیشرفت اساس تمدن جدید معرفی کرده علوم دینی را مخالف اصلاحات جامعه تشخیص داده اند بقسمیکه هرگاه بیم و شورش بلوای عمومی نبوده آخرین رمق روحانیت را قطع مینمودند با این وضع اسفناک و مدعیان زبردست اگر جامعه روحانی ایران و عراق عرب شروع باصلاحات علمی و عملی ننماید ونهضت اصلاح دینی شروع نشود خرافات یوسیده اوهام و تقالید قدیه زایل نگردد مبادی دینی با تمدن عصری تطبیق نشود و مدارس و اونیورسته های مخصوص مذهبی تأسیس نگردد نظامات روحانی اسلام شیعه کاملاً مطابق نظامات دینی اروپائی تأسیس نشود - بزودی بنیان روحانیت منهدم گشته اساس آن منقرض خواهد شد بنظر مامهمترین موادی که بایستی فوراً درصدد اجرای آن برآمد عبارت است از

- ۱ - اصلاح کل تعلیمات علوم مذهبی (عربی - منطق - معانی بیان - فقه - اصول فقه) طریقه فعلی و طرز تدریس امروزه علوم قدیمی به منتهی درجه اغتشاش و فساد رسیده است فی الواقع ادامه این سبک و روش نه تنها سبب تضییع وقت طلاب و بد بختی آنان خواهد شد بلکه بعقیده ما بزرگترین خیانتی است که در مقابل اصلاح مفسد روحانی مرتکب میشوند شرح این مطلب را در مقدمه کتاب النهایه شرح برکفایه آخوند خراسانی نگاشته ایم (این کتاب فعلاً تحت طبع است)
- ۲ - تعیین پرگرام مدارس مذهبی بقسمیکه یاره از علوم جدیده (با مراعات الاهم فالاهم) نیز ضمیمه معلومات قدیمه گردد و معلومات قدیمه نیز کاملاً منهدم و اصلاح شود پیروی از اصول معموله در جامع از هر مصر مناسبترین راه بنظر میرسد.
- ۳ - امتحان علمی و عملی هر ساله در حضور عده از نمایندگان رسمی و غیر رسمی واعطاء تصدیقنامه و جایزه و غیره بر طبق نظامنامه امتحانات مداس عالیہ دولتی
- ۴ - تفکیک و تشخیص لباس و عنوان و حیثیات روحانیون مستخدم دولت از روحانیون غیر مستخدم (۱)
- ۵ - تعیین جریمه و مجازات مخصوص برای اشخاصیکه بدون استحقاق و امتحان بلباس اهل علم ملبس شده اند و اعطاء اجازه نامه رسمی بروحانین از طرف هیئت ممتحنه روحانی و

البته این اصلاحات اساسی بایستی بوسیله عده از رجال خیر اندیش مملکت با نهایت خلوص و صمیمیت انجام پذیرد در اینصورت میتوان به نهضت حقیقی روحانی ایران امیدوار بوده و نتایج (۱) اقدامات حکومت توانای فعلی در اجرای این اصل راجع به روحانیان مستخدم دولت قابل تشکر و تقدیر است ولی انتظار میرود که قضاة رسمی و رؤسای محاضر شرع حکومتی نیز مستثنی نشوند

مفیده آنرا انتظار داشت

۱ - از صدور نامی پادشاهان صفویه

مقدمه

پادشاهان صفوی برای پیشرفت امور سیاسی پیش از تمام دول شیعی منصب در صدد ترویج این منصب برآمده و زمامداران روحانی این کیش را در اغلب قضایای سیاسی مداخله و شرکت میدادند از آنجمله ایجاد رتبه صدر الصدور بود باین ترتیب که یکی از روحانیین پای تخت از طرف دولت بعنوان صدرالصدور انتخاب شده کلیه موقوفات و تعیین قضات مملکتی با صدرالصدور مذکور بود شاه عباس چنان مقتضی دید که رتبه صدرالصدوری را ملغی نماید ولی از تقوذ کلیه واقتدار آنان هراسیده فسخ عزیمت کرد شاه صفی صفوی پس از جلوس بر سرپرسلطنت مقام صدرالصدوری را به شخص سلطان تخصیص داد و از ایتروز قسمتی از تقوذ و قدرت صدور کاسته شد

نادرشاه افشار اسماً و رسماً منصب صدرالصدوری را لغو و ابطال کرده کلیه اموال و موقوفات آنان را متصرف شد

بطوریکه از تاریخ جهان آرا معلوم میشود تا زمان شاه اسماعیل صفوی رتبه صدرالصدوری به شخص پادشاه تخصیص داشت در ایام قاجاریه لقب صدر یا صدر اعظمی به شخص اول مملکت اطلاق میشد تا اینکه در اواخر سلطنت ناصرالدین رتبه صدر اعظمی ملغی شده و دوباره بوسیله خود ناصرالدین تجدید شد بعد از اعلان مشروطیت در سنه ۱۳۲۴ لقب صدراعظم بر رئیس الوزرا تبدیل شد

ایتک بشرح حال عده از مشاهیر رجال فوق الذکر خواهیم پرداخت که پس از نیل ب مقام مزبور در سیاست مملکتی نیز مداخله داشتند و تقریباً جزو وزراء بشمار میروند

از صدور نامی شاه اسماعیل

۱ - صدر جلیل امیر قوام الدین

Emir Ghavamed-Din

حسن اصفهانی از قراریکه سام میرزا فرزند شاه اسماعیل در کتاب تحفه سامی فارسی نوشته مشار الیه از سادات نقبای اصفهان بوده و بفارسی نیز شعر میگفته است چندی در اصفهان به شغل نقابت مشغول بود تا آنکه در سنه ۹۳۰ اوائل جلوس شاه اسماعیل با مشارکت امیر جمال الدین محمد استرابادی بصدارت اشتغال داشت و بعد مستقلاً عهده دار آن شغل گردید شخصی دانشمند فاضلی بوده در علم انشاء مهارت تام داشت اهل فضل را مراعات مینمود زهد و تقوایش مشهور است رضاقلی خان در ذیل روضه الصفا ویرا بعنوان میر قوام الدین حسین اصفهانی ذکر نموده مینویسد که ابتداء میر جمال الدین استرابادی باوی در امر صدارت شرکت داشت

سید امیر نعمه الله باوی شرکت نمود و پس از چندی میر غیاث الدین منصور شیرازی با امیر نعمه الله شرکت نموده

مدت هشت سال میر معز الدین محمد اصفهانی مستقلاً صدارت داشت پس از وی میر اسدالله مرعشی و شاه تقی الدین محمد اصفهانی و میر محمد یوسف استرآبادی و میر سید علی بن میر اسدالله شوشتری هر يك بنوبت پس از یکدیگر صدارت نمود (۱)

۲ - صدر کبیر امیر سید شریف

Emir Seyed Sherif

بن امیر تاج الدین علی بن امیر مرتضی بن امیر تاج الدین علی استرآبادی الاصل شیرازی الوطن از اجله سادات علماء و دانشمندان بوده است نسبت به علامه جرجانی مشهور منتهی میگردد پدرش از احفاد محمد بن زید داعی صغیر والی مازندران بوده است ایام شاه اسماعیل صفوی در سنه ۹۱۵ مستقلاً بصدارت نایل شد بطوریکه از تاریخ جهان آراء مستفاد میشود تا آن ایام منصب صدارت اختصاص بسادات داشت بهر حال ممکن است میر سید شریف همان صدر کبیری باشد که در واقعه چالاران هنگام محاربه شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی با سایر امراء کشته شد از قرار مندرجات تاریخ جهان آراء همینکه شاه اسماعیل در ۹۱۷ از غزوه بلخ بقم مراجعت نمود میر سید شریف از منصب صدارت استعفاء داده بزیارت ائمه عراق مشرف شد و بعد از وی مرتضی مالک الاسلام امیر عبدالباقی بصدارت رسید حسن بیک در کتاب احسن التواریخ ضمن وقایع سنه ۹۱۷ نیز عزیمت میر سید شریف را مذکور داشته مینویسد مشارالیه از اسباط سید شریف علامه شیرازی بوده و مدت زمانی در ایام شاه اسماعیل منصب صدارت را عهده دار گشت در ترویج مذهب شیعه و اهانت علمای تسنن اقدامات جدی نمود بالاخره در سال ۹۲۰ در جنگ چالاران هنگام محاربه شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی با عده دیگر از سادات مانند امیر عبدالباقی و سید محمد کمونه و غیره کشته شداند واقعه مزبوره در سال چهاردهم سلطنت شاه اسماعیل و یکسال بعد از ولادت شاه طهماسب بوده است (۲)

(۱) ریاض العلماء میرزا عبدالله افندی خطی است (۲) ریاض العلماء و جهان آراء و احسن التواریخ

مورخ مزبور صدارت میر سید شریف را جزء وقایع ۹۱۵ تصریح نموده است

۳ - میر محمد بن یوسف

Mir Mohamed

بن حسین هروی از اجله سادات هرات بوده و در آن بلده متولد شده و نشو و نمو نمود از طرف شاه اسماعیل صدر الصدور خراسان شد در سال ۹۲۷ بفرمان امیرخان حاکم خراسان کشته شد سبب قتلش عزل امیرخان مزبور بوده است (۱)

۴ - امیر غیاث الدین منصور

Emir Mansoor

بن امیر صدر الدین دشتکی امیر مزبور از اهالی شکر آب از توابع دماوند بوده ابتداء نزد عمویش فخر الدین و بعد در خدمت سیف الدین تفتازانی تلمذ نمود شاه اسماعیل ویرا قاضی تمام ممالک خراسان قرار داد سپس به منصب صدارت نایل گشت و کارش بالا گرفت ولی بالاخره امیرخان بروی خشمگین شده در یکی از قلاع خراسان حبسش کرد و پس از چندی ویرا مقتول نمود و اموالش را ضبط کرد

امیر غیاث الدین مزبور ۶۵ سال عمر نمود شعر نیکو میگفت و خلقی تخلص میکرد کتابی در اثبات واجب بنام المشارق تألیف نموده که نسخه از آن در کتابخانه راغب پاشا در اسلامبول و کتابخانه حمیدیه موجود است در هفت اقلیم شرح حال او مذکور است (۲)

از صدور نامی شاه طهماسب

۱ - سید میرزا رفیع الدین

Rafied - Din

معروف به صدر کبیر بن امیر شجاع الدین محمود اصفهانی بن میر سید علی معروف به خلیفه سلطان شخصی فاضل دانشمندی بوده است خاندان وی در اصفهان و مازندران به علم و دانش اشتهار دارد مشار الیه در بسیاری از علوم مهارت داشته بعد از عزل قاضی جهان سینی بصدارت شاه طهماسب نایل شد در سیاست

(۱) و (۲) ریاض العلماء افندی و تذکره هفت اقلیم که هر دو خطی است

و امور دیانت خوشرفتاری نمود هنگام مسافرت از فرح آباد مازندران به سمت یساق در فیروز کوه مریض شد ویرا در عمارت نهاده بزایویه عبدالعظیم مجاور تهران حمل کردند و همانجا وفات نمود جسدش را بامر شاه حمل بکربلاء نموده و در روضه مبارکه دفن کردند پس از مرگ وی میرزا رفیع الدین شهرستانی به صدارت رسید شرح حال وی در تاریخ عالم آراء مذکور است (۱)

۲ - سید صدر کبیر امیرنعمه الله

Emir Nematollah

حلی از فضلاء شهر حله است در دوره شاه طهماسب صفوی بمشارکت امیر قوام الدین حسین منصب صدارت را عهده دار بود پس از فوت قوام الدین امیر غیاث الدین منصور با وی در امر صدارت اشتراك یافت سپس سید نعمه الله بواسطه منازعه با شیخ علی معروف به کرکی معزول گردید و غیاث الدین مدتی مستقلاً باقی ماند وی نیز بواسطه زد و خورد با کرکی معزول شد حسن بیك دوملو در احسن التواریخ شرح قضیه را ذکر نموده خلاصه اش اینکه امیر نعمه الله حلی از علماء سادات حله و بحسن ذکاوت و کثرت فضیلت مشهور بود ابتداء در خدمت کرکی تلمذ نموده بود ولی بعد با وی جنگیده ملازمت خدمت شیخ ابراهیم قطینی را اختیار کرد شیخ ابراهیم از دشمنان کرکی بوده و در نجف اقامت داشت و چون کرکی به صحت و جوب نماز جمعه با حضور مجتهد جامع الشرايط در مرقع غیبت امام معتقد بود لذا امیر نعمه الله عده از علماء مخالف کرکی را مانند قاضی مسافر و مولی حسین اردبیلی و بسیاری از درباریان که میانه خوبی با کرکی نداشته سرآ ملاقات نمود که در مجلس شاه با کرکی در موضوع مسئله فوق الذکر مناظره نمایند ولی این تدبیر بجائی نرسیده انعقاد مجلس مذکور محقق نگردید سپس عده از اشرار مجهول الهویه شرح مفصلی بهتان و جعلیات نسبت به کرکی نوشته در تبریز در میدان صاحب آباد بخانه سلطان انداختند شاه از مضمون آن مطلع گردید و چون در آن موقع بین کرکی و امیر نعمه الله

منازعه سختی جریان داشت لذا امیر نعمة الله را به بغداد تبعید کرد و بحاکم بغداد محمد خان تکلو شرحی نوشته شد که امیر نعمة الله را از ملاقات با شیخ ابراهیم قطینی و سایر علماء ممنوع دارد تا دسته بندی و توطئه بر علیه کرکی روی ندهد چندی بعد شاه بسمت بغداد حرکت نمود و کرکی نیز قبل از وی به بغداد وارد شد اتفاقاً کرکی در همان ایام وفات نموده و بفاصله ده روز رقیبتش امیر نعمة الله هم درگذشت (۱)

۳ - قاضی شمس الدین کیلانی

Shamsed - Din

ابتداء معلم شاه اسماعیل بوده سپس در زمان شاه طهماسب چندی صدر الصدور گردید مؤلف هفت اقلیم شرح حالتش را نوشته (۲)

۴ - میرزا اشرف جهان بن قاضی جهان قزوینی

Ashraf - Djahan

از فضلاء و دانشمندان عصر خویش بوده در زمان شاه طهماسب مدت پانزده سال منصب صدر الصدور بوی و اگذار گردید مؤلف تذکره هفت اقلیم ویرا تمجید بسیار نموده مینویسد که از آثار خیریه میرزا اشرف احداث نهر آبی در کربلا بوده پدرش قاضی جهان مبالغی برای انجام آن مصرف نموده موفق نشد بهر حال ولادت میرزا اشرف در ۱۸ ربیع الاخر ۹۲۲ و فوتش در ۱۷ ذیقعد ۹۶۲ واقع شده در حال احتضار اشعاری گفته که بیت ذیل از آنجمله است

رفتیم و این سراچه پر غم گذاشتیم دنیا و محتش همه با هم گذاشتیم
در تذکره هفت اقلیم اشعاری از وی نقل شده که مشوش و نامتناسب بنظر میرسد (۳)
از صدور شاه عباس کبیر

۳ - صدر کبیر ابو الولی بن امیر شاه محمود انجوی شیرازی

Abol - Vali

از فقهاء نامی و در زمان شاه عباس کبیر برتبه صدر الصدور نایل شده و در ایام شاه طهماسب از رجال نامی دولت بوده تولیت آستانه مقدس رضوی بوی و اگذار گردید سپس بین او و سلطان ذو القدر حاکم مشهد مشاجره واقع شده بهمین سبب (۱) ریاض العلماء افندی خطی است (۲) تذکره هفت اقلیم (۳) ریاض العلماء و تذکره هفت اقلیم

معزول گردید ولی با شراکت برادر خود امیر شاه ابو محمد بتولیت اوقاف غازی معین گشت در اواخر ایام طهماسب بتولیت بقعه شیخ صنی الدین اردبیلی منصوب گردید در زمان شاه محمد خدا بنده قاضی عسکر بود و ایام شاه عباس صدر الصدور گردید مشار الیه معاصر شیخ بهائی بوده و با شیخ مذکور مطار حافی و مراجعانی داشته است برادر صدر کبیر شاه مظفر الدین علی انجوی نیز از فضلاء و دانشمندان محسوب میشود - (۱)

از صدور محمد خدا بنده و شاه حسین

۱ - میر شمس الدین محمد خبیصی کرمانی

Shamsed - Din

از فضلاء و دانشمندان نامی است در علم هیئت و نجوم و رمل و اعداد مهارت داشت شعر نیکو میگفت و فهمی تخلص میکرد در زمان شاه محمد خدا بنده صدر الصدور بوده است اسکندر بیک در کتاب عالم آراء شرح حال ویرا ذکر نموده است (۲)

۲ - سید محمد باقر معروف بصدر خاصه

Mohamed Bagher

بن حسن بن خلیفه سلطان حسینی فقیه شریف در زمان شاه حسین صفوی صدر الصدور بوده است صاحب کتاب نجوم السماء فی احوال العلماء و شیخ عبدالنبی در کتاب تکملة امل الامل شرح حال ویرا ذکر نموده گویند تا زمان نادر باقی بوده ولی نگارنده کتاب اخیر را ندیده است

رساله در شکایات نماز و تعلیق بر شرح لمعه از آثار سید محمد باقر باقی است (۳)

۲- از مشایخ اسلام دوره صفویة

مقدمه

در ایام سلاطین صفویه رتبه شیخ الاسلامی یکی از مناصب دولتی بوده و شخص سلطان یکنفر از اعظم فقهاء را بعنوان شیخ الاسلام تمام مملکت انتخاب نموده فرمان و خلعت شیخ الاسلامی برایش ارسال میداشت پس از قرائت فرمان مزبور در مجمع عمومی و پوشیدن خلعت شاهانه شیخ الاسلام

(۱) ریاض العلماء افندی (۲) عالم آراء طبع تهران (۳) نجوم الساعفی احوال العلماء طبع هندوستان

رسماً زمام امور شرعی مملکت را عهده دار شده فوراً بآن سمت معرفی میگردد گاه گاهی بر حسب درجات و شئون اشخاص شیخ الاسلام برای يك ایالت و ولایت معین انتخاب میشد و پاره اوقات يك شیخ الاسلام در سر تاسر مملکت مدیر امور شرعیه بوده است بعد از اقراض دولت صفوی رسمیت و اعتبار لقب و رتبه فوق الذکر از میان رفت و غالباً باشخاص غیر متناسب باین لقب ملقب میشدند چنانکه در عصر حاضر کلبه عناوین و القاب سیاسی و روحانی ایران از هرگونه مفاد و مفهوم حقیقی عاری و ببری است . . . بهر حال چون رتبه مزبور از مراتب و درجات دولتی بوده لذا شرح حال مشاهیر جالی که در عهد صفویه باین عنوان معرفی شده اند بطور اختصار مینگاریم

(در دوره شاه طهماسب)

۱ - محقق ثانوی زین العابدین

Zeyn-el-Abedin

ابوالحسن علی بن حسین بن عبد العالی العاملی کرکی معروف به محقق ثانی در سنه ۹۳۹ وفات نمود و بقول صاحب تاریخ جهان آراء و فساتش در ۱۸ ذی الحججه ۹۴۰ واقع شد بهر حال از پیشوایان ارجمند عالیقدر طایفه امامیه در عصر خود محسوب میشود از شام به مصر مهاجرت نمود و از بسیاری از علماء سنی و شیعه روایت کرده است در میان علماء عامه از ابویحیی زکریای انصاری و از علماء خاصه از شیخ علی بن هلال جزائری و شیخ شمس الدین محمد بن داود روایت نموده است از مصر به عراق عرب مسافرت کرد و چندی در آنجا مقیم شد سپس بایران آمده مورد توجه شاه طهماسب صفوی گردید شاه طهماسب ویرا قاضی القضاة و شیخ الاسلام تام مملکت ایران نمود وظایف و املاک بسیاری در عراق عرب بوی تفویض کرد و بر تمام علمای معاصر برتری داد بالاخره در ۱۶ ذی الحججه ۹۴۹ فرمان فارس شاهانه صادر گردیده و تمام امراء فرمان مزبور را مهر و امضاء نمودند بموجب آن فرمان محقق ثانی دارای اختیارات تامه گردید و عموم امراء و حکام بلاد مخصوصاً مأمورین عراق عرب باطاعت و پاس احترامات محقق مأمور شدند بضمیمه تاکنون چنین فرمانی برای هیچیک از شیخ الاسلام های سابق نشده بود افندی در کتاب ریاض العلماء و قاضی نورالله در مجالس المؤمنین و غیره عین فرمان را نقل نمودند شیخ علی مزبور نیز در ترویج مذهب امامیه سعی وافیه نمود و در انتشار آن بین اهالی ایران و عراق عرب جدیت کامل بخرج داد سپس در صدد تعدیل قبله بلاد ایران بر آمد و برای انجام این مرام شخصی به شیراز اعزام داشت امیر

غیاث الدین منصور شیرازی که از سرآمد علماء ایران مقیم شیراز بوده از اقدام شیخ رنجیده با فرستاده او ضدیت کرد و اظهار داشت تعدیل و استقامت قبله فقط بایستی توسط علماء متخصص ریاضی انجام یابد رسول شیخ بدون انجام مقصود مراجعت کرد

باری موقع مراجعت ثانوی شیخ علی بایران امیر غیاث الدین صدرالصدور بوده و در حضور شاه طهماسب بین آنان منازعه واقع شد شاه طرفداری از شیخ نموده غیاث الدین را معزول کرد آثار محقق ثانی مزبور

۱ - المقاصد فی شرح القواعد درشش مجلد که نامبحث تفویض نکاح منتهی شده است و در یک مجلد ضخیم در ایران بطبع رسیده است ۱۳۱۲
۲ - کتاب النفحات

۳ - رساله الجعفریه فی احکام الصلوات من الواجبات و المندوبات که شروع ذیل بزوی نگاشته شده است

آ - المطالب المظفریه تألیف سید امیر محمد بن ابی طالب الحسینی الاسترآبادی شاگرد محقق ثانی نسخه از آن کتاب در کتابخانه مشهد رضوی است شرح مزبور بنام امیر کبیر المظفر جرجانی تألیف و به اسم او موسوم میباشد شرح متوسط لطیفی خالی از اطناب و دارای ایجاز میباشد ابتدای آن عبارات ذیل شروع میشود:
الحمد لله الذي فضلنا على سائر الامم باعدل الاديان واوضح لنا شرايع الاسلام باتم الايضاح واكمل ابيان...

مؤلف کشف الحجب شرح مزبور را تألیف شیخ علی میسی همنام محقق ثانی تصور نموده ولی قول اصح همان بود که ذکر شد

ب - الفوائد العلیّه تألیف جواد بن سعید بن جواد کاظمی شاگرد شیخ بهائی شرف الدین بن علی استرآبادی نجفی شاگرد محقق کرکی حرعاملی مینویسد که کتاب مزبور را در کتابخانه مشهد رضوی مشاهده نمودم

ت - شرح مولی شاه طاهر بن رضی الدین اسماعیل حسینی شاگرد شمس الدین حصری معاصر محقق ثانی

ث - الفوائد الغرویه تألیف شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی شاگرد محقق ثانی -

- ج - شرح نورالدین علی بن عبدالعالی میسی معاصر محقق ثانی که در سنه ۹۳۸ وفات کرده است
- ح - شرح عیسی بن محمد جزائری که در حدود سنه ۱۰۶۰ وفات نموده است
- ح - التحفة الرضویه تألیف شرف الدین یحیی بن عز الدین حسین بن عشیره بن ناصر بخرانی یزدی معروف به شیخ بخیای مفتی که شاگرد محقق و نایب وی در یزد بوده است نسخه از شرح مزبور بخط مؤلف در کتابخانه حاج میرزا حسین نوری بوده است
- ۴ - رساله الخراجیه ۵ - رساله الرضاعیه ۶ - رساله الجمعہ ۷ - رساله اقسام الارضین ۸ - رساله صیغ العقود والایقاعات
- ۹ - رساله نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت
- ۱۰ - حاشیه مختلف الشیعہ در کتابخانه مشهد رضوی موجود است
- ۱۱ - حاشیه بر ارشاد علامه حلی اولش چنین شروع میشود: الحمد لله رب العالمین نسخه از آن در کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء نجفی و کتابخانه سید مهدی حیدر کاظمی موجود است نسخه اخیر را سید علی اکبر بن عبدالله حسینی طالقانی در ایام اشتغال و اقامت در قزوین نگاشته و در سال ۹۷۷ خاتمه یافته است و از اول اغسال شروع شده و به قسمت بیع منتهی میشود
- ۱۲ - رساله السجود علی التربه ۱۳ - رساله السبحة ۱۴ - رساله الجنائز
- ۱۵ - رساله احکام الاسلام ۱۶ - رساله النجمیه ۱۷ - رساله المنصوریه
- ۱۸ - رساله فی تعریف الطهاره ۱۹ - شرح الفیه
- ۲۰ - حاشیه بر الفیه شهیدیه و در این شرح تصریح مینماید که شرح دیگری بر آن کتاب نگاشته است حاشیه الفیه در حواشی کتاب المقاصد العلیه در ۱۳۱۲ طبع شده است
- ۲۱ - کتاب المطاعن المحرمیه شیخ حسن فرزند محقق ثانی در کتاب عمدتہ المقال فی کفر اهل الضلال تألیف کتاب مزبور را به پدر خود نسبت میدهد محقق ثانی در آن کتاب اخبار بسیاری و همچنین ادله عقلیه زیادی در ذم و قدح صوفیه مرقوم داشته است

- ۲۲ - رسالة في العدالة ۲۳ - رسالة في الغيبة
۲۴ - جواب اسئلة كه بعضی از آن جواب مسائل فقهی است و فضل الله حسینی
آن مسائل را جمع آوری نموده است و چنین شروع میشود :
مسائل متفرقه سمعتها من حضرة شيخنا و مقتدانا و مجتهد زماننا علی بن عبدالعالی
۲۵ - رسالة الحجية ۲۶ - حاشیه بر تحریر علامه در فقه ۲۷ - رسالة الكربة
۲۸ - رسالة التعقیبات
۲۹ - حواشی متفرقه بر کتب فقهیه مانند کتاب دروس و الذکری و غیره
۳۰ - اجازات بسیار مختصر و مفصل که از آنجمله اجازه علی بن عبدالعالی میسی
و شیخ ابراهیم فرزندش که در بغداد بتاريخ ۹۳۴ تحریر یافته است (۱)
- ۲ - سید قاضی شاه مظفر الدین

Mozaffared - Din

علی بن شاه محمود انجوی شیرازی برادر صدر کبیر ابو الولی انجوی شیرازی مشارالیهما
با برادر دیگر خود شاه ابو محمد از علماء و دانشمندان ارجمند ایام شاه طهماسب
صفوی بوده اند قاضی مظفر الدین از علماء شیراز محسوب میشد و از طرف شاه
طهماسب شیخ الاسلام شیراز و وکیل شاه در آت بلده گردید سپس پادشاه
محمد خدا بنده صفوی موقع انتقال پایتخت از شیراز بقزوین مسافرت کرد و در
آنجا قاضی عسکر بود شاه محمد ویرا بسیار گرامی میداشت صاحب تاریخ عالم آراء
شرح حال ویرا نکاشته است (۲)

۳ - شیخ زین الدین علی معروف بمنشار عاملی

Zeyn - ed - Din

از علماء و دانشمندان تلمیذ شیخ علی کرکی بوده است بخدمت شاه طهماسب صفوی
رسید و نزد وی گرامی گشته به شیخ الاسلامی اصفهان تعیین شد و آوازه شهرتش
در بلاد ایران پراکنده گردید همینکه حسین بن عبد الصمد پدر شیخ بهائی
از جبل عامل باصفهان آمد شیخ زین الدین ویرا نزد شاه طهماسب معرفی نمود
و شیخ الاسلامی قزوین را برای شیخ حسین ترتیب داد از شیخ منشار فقط يك
دختر دانشمند فاضله فقیهه بوجود آمد که عیال شیخ بهائی بوده است پس از وفات شیخ

(۱) ریاض العلماء و امل الامل و عالم آراء و غیره (۲) عالم آراء عباسی و ریاض العلماء افندی

منشار موازی چهار هزار مجلد کتب شیخ بدخترش منتقل شد شیخ مزبور قسمت عمده آن کتب را از هند با خود بایران حمل کرده بود

و کلیه آنها را شیخ بهائی وقف کرده و بعد از وفات شیخ بهائی بواسطه عدم مراقبت متولیان تدریجاً از بین رفت صاحب تاریخ عالم آراء و سایر شاگردان شیخ بهائی در رسائل فارسی راجع بحالات شیخ بهائی از شیخ منشار نیز ذکری نموده اند و ویرا ستوده اند مشار الیه پس از مرگ شاه طهماسب نیز باقی بود (۱)

عز الدین حسین بن عبد الصمد

Hossein

بن محمد بن علی حارثی همدانی عاملی خراسانی والد شیخ بهائی در سال ۹۱۸ یا (۹۱۲ بطوریکه در کتاب لؤلؤة البحرین مذکور است متولد شده و در سنه ۹۸۴ در قریه مصلی از توابع بحرین وفات نموده و در آنجا مدفون شد از فضلاء و دانشمندان نامی در علوم و فنون متفرقه مهارت داشت در علم شعر و ادبیات و تریب الغاز متبحر بود پدر و جدش نیز از دانشمندان دوره خویش بودند مشار الیه از فضلاء تلامذه شهید ثانی محسوب میشود و از سید حسن بن سید جعفر بن حسین کرکی و میرسید حسن مجتهد استاد شهید ثانی نیز روایت کرده است تلامذه دانشمند عالی قدری تربیت نموده که از آنجمله فرزندش شیخ بهائی و رشید الدین بن شیخ ابراهیم اصفهانی هستند و از طرف استادش شهید ثانی اجازه عام مفصلی دریافت نموده است افندی قسمت عمده آنها در کتاب خود ذکر مینماید قرائت کتب احادیث بوسیله مشار الیه در بلاد ایران انتشار یافت

شیخ عز الدین با خانواده خود از جیل عامل باصفهان وارد شد در آنموقع شاه طهماسب در قزوین اقامت داشت پس از اطلاع بر ورود شیخ خلعتی برای وی فرستاده بقزوین پای تخت خویش احضارش نمود و ویرا شیخ الاسلام قزوین نموده بسیار گرامی داشت شیخ مدت هفت سال در قزوین به افادت و افاضت قیام و اقدام داشت و بر طبق عقیده استاد خود شهید ثانی نماز جمعه را واجب میدانسته و در قزوین بجای نماز ظهر نماز جمعه اقامه مینمود سپس از طرف شاه طهماسب به شیخ الاسلامی خراسان منصوب گشت و تا آنموقع مذهب شیعه در هرات منتشر

نشده بود شیخ از طرف شاه طهماسب به تبلیغ مذهب شیعه در هرات مأمور شد و سه قصبه از قصبات آن بلده به شیخ واگذار شد به علاوه شاه طهماسب فرزند خود سلطان محمد خدا بنده و امیر شاه قلی خان حاکم خراسان را فرمان داد که هر روز جمعه در مسجد بزرگ هرات برای استماع احادیث بیسای منبر شیخ حاضر شوند عزالدین مدت هشت سال باین ترتیب در هرات اقامت کرد و از برکت قدم او عده بسیاری از اهالی متشیع گشتند بعد شیخ مزبور بقزوین آمده و از شاه برای خود و فرزندش جهت تشریف بیت الله استجازه کرد شاه وی را مرخص نموده شیخ بهائی را اجازه نداد عزالدین عازم حج گشته و در موقع مراجعت از راه بحرین عبور نموده در آن نواحی اقامت کرد و برای فرزند خویش نامه بدین مضمون نگاشت که اگر طالب رفاهیت دنیوی باشی در هند اقامت کن و اگر در صدد سعادت اخروی هستی به بحرین بیا و هرگاه از دنیا و عقبی هردو دست کشیده در ایران اقامت نما (۱) شیخ عزالدین تا ایام آخر زندگانی در بحرین به تدریس اشتغال داشت و در آنجا رحلت نموده قبرش تا کنون مشهور و از مزارات متبرکه است بسیاری از شعراء و شیخ بهائی در مرثیه او اشعاری گفته اند شیخ مزبور مانند فرزندش شیخ بهائی در مدح مشایخ صوفیه و نقل کلمات آنان رغبت تام و تمامی داشت

آثار عزالدین

۱ - کتاب وصول الاخیار الی وصول الاخبار کتاب بسیار مفصلی است در علم درایت آغاز آن بادلّه امامت شروع میشود و در آن مبحث مطالب مفصلی مینگارد مشار الیه دومین مؤلفی است که از بین علمای امامیه در علم درایت کتابی تالیف نموده است و قبل از وی استادش شهید ثانی بر وی تقدم دارد و کتاب مزبور با رساله مختصری از شیخ بهائی و بدایه شهید ثانی در ایران طبع شده است

۲ - الاربعون اول آن چنین شروع میگردد الحمد لله علی نعمه الغرّ و الصلوة

(۱) این کله طلانی کاملاً بر وضعیت ایران امروزه نیز منطبق است

والسلام علی محمد و آله الاطهار مشتمل بر چهل حدیث و شرح آن مؤلف کتاب کشف الحجب کتاب مزبور را دیده است

۳ - الشوارق اللامعه فی معرفت الواجب و صفاته و مایتبعها من معرفة المبدء و المعاد کتاب مزبور را در مشهد رضوی تالیف نموده و فرزندش شیخ بهائی تقریظ کرده است اولش چنین آغاز میگردد
الحمد لك اللهم اهل الحمد و وارثه و مستحقه و باعته و منشئه و معلمه و مفیده و ملهمه

۴ - رساله در مناظره شیخ با یکی از علماء حلب در مسئله امامت بقسمی که مناظر مزبور را ملزم و وادار بقبول مذهب شیعه نموده است تاریخ این مناظره بقسمی که در اول رساله مذکور گردیده سنه ۹۰۱ در حلب تحریر شده است
۵ - شرح بر الفیه شهید در فقه مزوج بامتن است شرح مزبور در هرات تحریر یافته است .. عده رسائل دیگر در مسائل متنوعه (۱)

(در دوره شاه عباس)

۱- علی نقی بن ابوالعلاء محمد هاشم طغانی

Ali - Naghi

فراهانی کمره شیرازی اصفهانی در سال ۱۰۶۰ در اصفهان وفات نمود
فاضل دانشمند در علم فقه و حدیث و شعر متبحر بود نزد سید ماجد بحرانی و سایر علمای شیراز تلمذ کرده در کمره از مجال فراهان توطن داشت در زمان شاه صفی صفوی امام قلی خان حاکم فارس ویرا بشیراز دعوت نموده قاضی شیراز قرار داد و همینکه خلیفه سلطان وزیر شاه عباس ثانی شد شیخ علی را از شیراز باصفهان طلبیده و پس از عزل میرزا قاضی ویرا شیخ الاسلام اصفهان قرار داد و تا موقع وفات منصب مزبور را عهده دار بود شیخ مزبور بحرمت نماز جمعه در عصر غیبت امام و حرمت شرب توتون معتقد بوده رساله در آن موضوع نگاشت و دوازده دلیل ذکر نموده که خالی از وهن نیست افندی خلاصه آن را در کتاب خود شرح داده که نقل آن بی فایده است رساله مزبوره در شیراز بتاريخ ۱۰۴۸ تالیف شده
(۱) ریاض العلماء افندی و کشف الحجب و الاستار عن وجوه الکتب و الاسفار سید اعجاز حسین هندی که هر دو خطی است

- است بغیر از رساله مرقومه تألیفات دیگری نیز از او باقی است که عبارتند از
- ۲ - المقاصد العلیه فی الحکمة الیمانیه کتاب نفیس گرانبھائی است
 - ۳ - رساله بزرگی در حدوث عالم مشتمل بر ادله عقلی و نقلی اغلب مطالب آنرا از کتاب سابق الذکر نقل نموده است و دارای مطالب مفیده میباشد
 - ۴ - رساله مواعظ و نصایح فارسی که برای شاه صفی تالیف نموده است
 - ۵ - کتاب مناسک الحاج والمعتمرین
 - ۶ - کتاب جواب نوح افندی مفتی بلاد عثمانی در زمان سلطان مراد علت تألیف آن کتاب این بود که نوح افندی در موقع محاصره بغداد بدست سلطان مراد عثمانی کتابی در وجوب قتل شیعه و مباحیت خون آنان تألیف نمود امیر شرف الدین علی شولستانی کتاب مزبور را نزد شیخ علی فرستاده از وی تمنای تحریر جواب نمود شیخ نیز در دو مجلد بزرگ راجع بمسئله امامت جواب نوح افندی را نگاشته است نسخه از آن در کتابخانه مشهد رضوی موجود میباشد
 - ۷ - یاره مؤلفات و رسائل مختلفه
- اولاد و احفاد بسیاری از شیخ مزبور در شیراز و اصفهان باقی ماند افندی بعضی از آنان را ملاقات نموده است (۱)

۲ - میرزا قاضی الدین

Ghazied - Din

محمد بن میرزا کاشف الدین یزدی شیخ الاسلام اصفهان

از آثار اوست رساله فارسی در خواص چوب چینی که بنام شاه عباس ثانی تالیف نموده و در آخرش ذکر خواص قهوه را نیز مینماید - حاشیه بر یک قاعده از قواعد شهیدیه است پدرش آمیرزا کاشف از علماء ودانشمندان بوده شرح حالش ضمن علماء ریاضی عصر خویش مرقوم گردیده است (۲)